

اتحاد عادلانه در همزیستی مسالمت آمیز از نگاه حقوق بشر اسلامی

علی اکبر شمس^۱، رسول شمس^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، حقوق بین الملل، دانشگاه تهران

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، روابط بین الملل، دانشگاه آزاد، تهران جنوب

چکیده

دین سرمد اسلام که خصیصه جامع و کامل بودن را به همراه دارد، همواره به ابعاد مختلف وجودی انسان پرداخته و از هیچ جنبه ای غافل نمانده است. انسان که موضوع این عالم است و مرکزیت جهان را به عهده دارد، محور همه باید ها و نباید های علمی و عملی است. خواه ارتباط انسان با خود و خواه ارتباط انسان با موجودات هستی و چه نسبت او با خالق و پروردگارش، انسان است که مجری سیاست لولاک لما خلقت الافلاک^۱ خواهد بود. تعاملات اجتماعی همانند تعاملات اقتصادی با زندگی انسان گره خورده و از سرنوشت و سرشت آدمی جدا نخواهد بود و این تعاملات در سایه اتحاد عادلانه و در سه سطح امت اسلامی، پیروان ادیان توحیدی و وحدت جهانی (جوامع بشری) میسر خواهد بود. در این مختصر به دنبال تبیین وضعیت موجود همزیستی مسالمت آمیز و ترسیم جامعه آینده آلی خود از منظر اسلام و نگاه متفکران اسلامی خواهیم بود.

واژه‌های کلیدی: اتحاد عادلانه، همزیستی مسالمت آمیز، امت اسلامی، ادیان توحیدی، وحدت جهانی.

^۱ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۴۰۵

مقدمه

به نام خداوند بخشنده مهربان / و در زمین، نشانه‌هایی برای اهل یقین و نیز در وجود شما است؛ آیا به چشم بصیرت نمی‌نگرید؟^۱

از دیدگاه اسلام انسان در نظام هستی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که بی تردید هیچ شریعت و مکتبی او را در آن مقام منیع و رفیع قرار نداده و در صورتی به آن جایگاه شامخ نایل می‌شود که استعدادهای خود را به فعلیت برساند. فرد در آغاز حیوان بالفعل و انسان بالقوه است و هرگاه دارایی خود را به فعلیت برساند، متصف به صفات ربوی و محاسن اخلاق و محامد آداب می‌باشد ورنه همان حیوان ناطق است. انسان در اسلام موجودی اجتماعی و مسئول بوده و نیازمند زندگی گروهی و حیات اجتماعی است و اصل اجتماعی بودن برای ساختار انسان، طبیعی است نه اضطراری و به قول خواجه نصیر الدین طوسی^۲ زندگی اجتماعی جز از طریق تعاون امکان پذیر نیست.

باید بپذیریم که اصل احکام اسلامی در مغایرت با حقوق لیبرالیستی و غربی از یک سو است و از سوی دیگر نیست! اینکه بگویند حقوق اسلامی تماماً ارتجاعی و سنتی و حتی غیر انسانی است و با این تعابیر متمسک به حذف این آموزه‌ها از صحنه اجتماع جهانی شوند زیانی بس غیر قابل جبران است. اسلام پدیده‌ای جامع که شامل عقاید، اخلاقیات و قوانین است و اسلام بدون احکام و غیر ناظر به حقوق و تکالیف اجتماعی نوعی انحراف محسوب می‌شود و چه زیبا گفت مولای متقیان امیرالمومنین حضرت علی^{علیه السلام} ای مالک به تو بر مردم همچون درنده مباش چرا که آنان دو گروه اند، یا برادر دینی تواند و یا همانند تو در انسانیت^۳.

برای درک بهتر اتحاد عادلانه در همزیستی مسالمت آمیز بیان مختصری در باب رابطه ضروریست، معنای رابطه به اختصار عبارت است از: قرار گرفتن دو موجود یا چند موجود در حال تاثیر متقابل. البته پرواضح است که این بیان، مفهومی بسیار وسیع در خصوص رابطه است که در فارسی از آن به پیوستگی تعبیر می‌شود. دامنه این تعریف از تکیه دو آجر به یکدیگر که ایستادگی هر یک را به دیگری می‌پیوندد تا ارتباط دو انسان را با یکدیگر شامل می‌گردد که ممکن است دقیق ترین ارتباط را دارا بوده باشند.

حقوق انسان و حقیقت انسان

بدون شناخت حقیقت انسان، که تالیف روح و بدن است، نمی‌توان از حقوق انسان سخن گفت و به ویژه با اصالت دادن به بدن، نمی‌توان از کرامت انسان سخن گفت، چه رسد که از حقوق و کرامت الاهی بشر سخن به میان آید. از فلسفه الاهی، نوعی حقوق بشر و از فلسفه مادی، نوعی دیگر از حقوق بشر استخراج می‌شود. پس بدیهی است که بدوا باید انسان تعریف شود تا حق و حقوق انسانی

^۱ و فی الارض آیات للموقنین / و فی انفسکم افلا تبصرون / سوره ذاریات، ۲۰-۲۱

^۲ تاریخ فلسفه در اسلام، ص ۸۹۴

^۳ و لا تكون علیهم سبعا ضاویا فانهم اما اخ لك فی الدین و اما نظیر لك فی الخلق

هویدا گردد، در وضعیت فعلی حقوق بشری جهان معاصر از تعریف غیرالاهی انسان، حقوق حیوانی استخراج گردیده و از تعریف دینی انسان حقوق الاهی، ذاتی و کرامت انسانی در حد اعلی خود روشن گردیده است. به دیگر بیان اینکه ملاک های فعلی جامعه جهانی مورد پذیرش واضعان خود نیستند و این طیف رنگا رنگ از مکاتب حقوقی خود مبین وضعیت نابسامان حقوق بشر است از سوی دیگر مسلمین برای اتفاق نظر جهانی در برابر وحی الاهی حجیت و اعتبار قایلند و سوال اساسی آنان این است که چه کسی تشخیص داده که نظام فعلی حقوق بشر کارآمد و نظام دینی غیرکارآمد است، روند تاریخی که از صدر مشروطه تاکنون، مبارزه با فقه سیاسی - اجتماعی اسلام و نفی شریعت عملی و قوانین مدنی اسلام، یکی از عمده ترین راهکارهای جریان لاییک در ایران و جهان بوده است. جریان مذکور به سکولاریزه کردن کلیه نهاد های اجتماعی، حقوقی، اقتصادی و آموزشی جوامع و نفی قوانین اسلامی پرداخته است و البته جریان دینی هم پافشاری از جنس تعصب غیر عقلانی ندارد و تمامی استدلال ها بر بنیاد وحیانی با توسل به حقوق و حقیقت انسانی بنا نهاده شده است. اسلام ادعا دارد که توانایی ارائه راهکار هایی برای تغییر بعضی از بنیادهای موجود و تبیین چگونگی بهتر شدن وضعیت فعلی در جهت نیل به وضعیت مطلوب را داراست و غرب با عدم اعتنا به این ادعا جامعه جهانی را از چنین آورده هایی محروم می کند.^۱

انسان در اسلام

در تبیین انسان در وضعیت فکر فعلی جهان معاصر به دو نظم فکری می توان متوسل شد:

۱. آنتروپولوژی^۲

انسان در دیدگاه آنتروپولوژی در پی تعریف و تبیین "چیستی" انسان است. انسان در این دیدگاه، واجد سه بعد است: بعد فیزیکیال Physical، بعد سایکولوژیکال Psychological و بعد سوشیال Social.^۳

۱.۱ بعد فیزیکیال

بعد فیزیکیال با طبیعی انسان، همان بعد بیولوژی Biology بدن انسان است. آناتومی Anatomy، دانش شناخت ساختار و فرم بدن است و فیزیولوژی دانش شناخت عملکرد و کارکرد^۴ بدن است.

۲.۱ بعد سایکولوژیکال

ریشه واژه سایکولوژی در مفهوم سایکه^۵ است. فلذا اتیمولوژی^۶ و ریشه شناسی دانش سایکولوژی در شناخت کشش و کنش پسوخته به اروس یا کیوپید جست جو می شود. در ترمینولوژی و مفهوم شناسی این دانش، مفهوم روانشناسی با واژه سایکولوژی مترادف نیست، زیرا " روان " فارسی، ما به ازای واژه روح در عربی است، که در زبان های لاتینی به آن Spirit اطلاق می شود. پس روان شناسی

^۱ ابینه علی المدعی

^۲ Anthropology

^۳ Ember, Carol R., Ember, Melvin; Encyclopedia Of Medical Anthropology, 1st Ed, New York, Kluwer Academic/Plenum Publishers, 2004, Page 3

^۴ Function

^۵ Psyche, ψυχή

^۶ Etymology

معادل روح شناسی غربی و دانش Spiritology غربی خواهد بود. از این حیث در فارسی، معادل سایکولوژی وجود ندارد و در غربی نیز نفسانیات شناسی می تواند ما به ازای آن تلقی شود. دانش سایکولوژی در انسان شناسی بر روی Mind و Emotion تمرکز کرده و به موضوعاتی هم چون رفتار^۱، تجربه^۲، شخصیت^۳ و نظریه^۴ Development می پردازد.

۳.۱ بعد سوشیال

آنتروپولوژی در بعد سوم، به موضوعاتی نظیر: زبان، جنسیت، دین، فلسفه، فرهنگ، اقتصاد و حکومت می پردازد، اما به نظر می رسد این بعد در انسان شناسی کم رنگ تر از سایر ابعاد آن به شمار رود، زیرا که آنتروپولوژی اساساً تمرکز خود را بر طبیعت انسان گذاشته است و ابعاد و ملاخضات اجتماعی او در درجه ی بعدی اهمیت قرار دارند.

۲. انسان شناختی اسلامی

انسان در اسلام موجودی اجتماعی و مسئول است، موجودی اجتماعی که بر او فرض شده در همه ابعاد زندگی، مسائل انسانی را که جایگاه خلیفه الهی^۵ او را تثبیت می کند رعایت کند. شخصیت وی در جامعه شکل می گیرد و هویت واقعیش در اجتماع ظهور و بروز می یابد، بنابراین اسلام، دینی است که نه تنها به جامعه و اجتماع انسانی اهتمام دارد، بلکه بهترین شکل جامعه و متمدن ترین صورت آن را بیان و معرفی می کند و اهانتی بس بزرگ به ساحت مقدس اسلام است که گفته می شود تعالیم و احکام آن صرفاً فردی است و به شئون اجتماعی انسان توجهی ندارد. اسلام متقابلاً از اهمیت عقیده سخن می گوید، عقیده به معنای تعصب و کینه بی جا به هر کس که با ما تفاوت فکری دارد نیست و آنجا که صحبت از انسانیت انسان به معنای سیرت و عقاید و اخلاق و اعمال او می داند باز به آن معنی نیست که برای غیر مسلمان یا حتی غیر موحدان، حق حیات و... قایل نباشد بلکه بدین معنا است که اسلام برنامه سعادت انسان ها را ارائه داده است هم در حوزه های فیزیکی، سایکولوژیکال، سوشیال و هم ابعاد متافیزیکی^۶ امر، انسانیت انسان در پرتو همزیستی مسالمت آمیز از مهمترین شئون این پدیده الهی است، معذالک همین اسلام خود برای غیر مسلمانان حقوق و حریم، قایل شده است و آنان را شهروندانی در ذیل حکومت اسلامی در این فرض به رسمیت شناخته و دایره حقوق انسانی را فراتر از دیانت خاص دانسته و برای آنان نیز حقوق و حدودی پیش بین کرده است. اسلام می گوید می توان کسانی را گمراه و باطل از حیث ارزشی، ساقط از درجه معنوی انسانیت دانست ولیکن حقوق اجتماعی و مدنی از بعد یک انسان پابرجا خواهد بود، یعنی آنکه اتحاد

¹ Behavior

² Experience

³ Personality Theories

⁴ Van Huyssteen, Wentzel (Editor in Chief), Encyclopedia Of Science And Religion, 2nd ed., New York, The Gale Group, 2003, Page 705

^۵ وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً، سوره بقره، آیه ۳۰

⁶ Metaphysics

عادلانسه جوامع^۱، اجتماعات^۲، قباایل^۳، طوائف^۴، امت، ملت و... در همزیستی مسالمت آمیز در حقوق بشر اسلامی کاملاً پیش بینی و تبیین گردیده است.

حوزه های اتحاد عادلانه

۱. امت اسلامی

در سرتاسر قرآن کریم، اسلام امت را به سلم، صلح، صفا، اتحاد و اخوت دعوت کرده است. برای بیان منظومه وار این دعوت ها می توان به رئوس من جمله: فرمان اعتصام به حبل الله، دعوت همگان به سلم، سفارش به اخوت ایمانی، برادری نخستین شعار پیامبر، نهی امیر المومنین از تفرقه و... اشاره کرد. پس از بیان رئوس و حوزه های اتحاد اسلامی باید به محور های این اتحاد نیز اشاراتی شود، دین اسلام محور اصلی و اساسی این اتحاد بزرگ است ولیکن این اتحاد باید در جنبه ها برونی متبلور شود: قرآن کریم، سنت رسول اکرم و عترت.

فرمان اعتصام به حبل الله

خدای سبحان می فرماید:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ^۵

همگی به ریسمان خدا (به دین و کتاب و آورندگان وحی) چنگ زنید و پراکنده نشوید، و نعمت خدا را درباره خود به یاد آرید آن گاه که با هم دشمن بودید پس میان دل های شما الفت افکند، پس به نعمت او برادر یکدیگر شدید. و شما بر لب گودالی از آتش بودید پس شما را از آن برهانید. خداوند این چنین نشانه های (توحید و قدرت و حکمت) خود را برای شما روشن می کند شاید هدایت یابید.

مراد از برادری در این آیه، برادری ایمانی است. مسلمانان با یکدیگر برادرند زیرا که هریک از آنان همان چیزی را قصد و طلب می کند که دیگری در پی آن است. اعتصام به حبل الهی، راه را برای صعود جمعی فراهم می آورد و پیامبر مامور این امر می شود تا همگان را هماهنگ و منسجم در این وادی به حرکت درآورد، براین اساس سیر الی الله صعود است و صعود وسیله می طلبد که همان حبل الله یعنی دین الهی است.^۶ اعتصام جمعی و اتحاد و هماهنگی و انسجام بر محوریت حبل الهی موجب

^۱ برای مثال / سوره مومنون، آیات ۶۵-۷۰:

لَا تَجَارُوا الْيَوْمَ الْيَوْمَ إِنَّكُمْ مِنْهُ لَا تَنْصَرُونَ 65 قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُنذِرُكُمْ عَلَىٰ أَغْصَابِكُمْ تَنْكُصُونَ 66 مُسْتَكْبِرِينَ بِهٖ سَامِرًا تَهْجُرُونَ 67 أَلَمْ يَنْبَرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ 68 أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُكْرُونَ 69 أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُمُ بِالْحَقِّ وَ أَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ۷۰

^۲ برای مثال: سوره قصص آیه ۴۶ / سوره سبا آیه ۱۵-۱۶ / سوره اعراف آیه ۹۶ / سوره اعراف آیه ۱۷۹ / سوره فرقان آیه ۴۴

^۳ این واژه که بیش از سیصد بار در قرآن استفاده شده است.

^۴ برای مثال: سوره آل عمران آیه ۶۹ / سوره آل عمران آیه ۷۲ / سوره نور آیه ۲

^۵ سوره آل عمران، آیه ۱۰۳

^۶ مطالعه شود: سوره نجم آیه ۹ / سوره شعرا آیه ۲۱۵ / سوره مائده آیه ۳۵

موجب می شود همگان در برداشتن بار سنگین مسئولیت با نشاطی فزاینده مشارکت داشته باشند و براساس فان یدالله مع الجماعه^۱ با قدرتی افزون تر، رسالت الهی خویش را به انجام برسانند.^۲

دعوت همگان به سلیم

خداوند متعال در مصحف شریف خود می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ^۳

ای کسانی که ایمان آورده اید، همگی در تسلیم و طاعت (خدا) درآیید و پیروی از گام های شیطان نکنید، که او برای شما دشمنی آشکار است.

خداوند سبحان فرمود که همگی راه صلح و اتحاد و زندگی مسالمت آمیز را در پیش بگیرید و باهم به قلعه محکم سازگاری و وحدت درآیید، زیرا که صلح و اتحاد دژ محکمی است که انسان را از حوادث گوناگون و ناگوار حفظ می کند.

سلم از لحاظ فقه الغه به معنای انقیاد، طاعت، صلح، مسالمت و عدم تعرض به امنیت، آزادی، استقلال سیاسی، ... البته شق ثلاثی مزید آن، مانند اسلام، معنای دین ویژه ای را می رساند.^۴ به هر روی، سلم در قرآن در درون حوزه اسلام اطلاق می شود و نه دعوت به اسلام زیرا که خطاب به مومنان است.

سفارش به اخوت ایمانی

خدای سبحان می فرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ^۵

جز این نیست که همه مؤمنان با هم برادرند، پس (در تمام اختلافات) میان دو فرد یا دو گروه برادرانتان اصلاح نمایید، و از خدا پروا کنید شاید مورد ترحم قرار گیرید.

این آیه، مومنان را به اخوت و برادری دعوت کرده است و از هرگونه تفرقه باز می دارد تا بر اساس "أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ"^۶ به خوبی و مهربانی در زیر اسلام، زندگی مسالمت آمیزی داشته باشند، بنابراین باید کسی را که در دایره حوزه اسلامی به دعیه مومن بودن خود، به جان مردم می افتد و اختلاف ایجاد می کند از این کار بازداشت و آن اختلاف را حل کرد.

برادری، نخستین شعار پیامبر

نخستین شعار رسول خدا هنگام ورود به مدینه و پیش از ساختن مسجد و پرداختن به امور عمرانی، درباره اخوت و برادری دینی بود. آن حضرت مسلمانان را دو به دو در راه خدا برادر یکدیگر کرد و با ایجاد عقد اخوت میان مسلمانان و بین خود و حضرت علی و نیز میان دو قبیله اوس و خزرج، اتحاد و

^۱ نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷، بند ۷

^۲ نقش اجتماعی انسان در اسلام بدین صورت است: با تکیه بر شاخص امامت به سه سطح:

نظام - نهاد - مسئولیت تقسیم می شود.

^۳ سوره بقره، آیه ۲۰۸

^۴ ر.ک: مفردات، ص ۴۲۱-۴۲۴، س ل م

^۵ سوره حجرات، آیه ۱۰

^۶ سوره فتح، آیه ۲۹

هماهنگی را تحقق بخشید.^۱ سراسر کلام نبی حفظ انسجام دینی و وحدت کلمه بود از بدو امر که در بالا ملاحظه کردید تا حجت الوداع از حفظ وحدت، سخن به میان آورد و فرمود:

المسلمون اخوه تتكافى دماءهم يسعى بدمتهم ادناهم و هم يد علی من سواهم^۲ مسلمانان با هم برادرند و خون هایشان همسان یکدیگر است و خون هیچ کس ارزشمند تر از خون دیگری نیست و تعهدی که ضعیف ترین آنان برقرار کرد محترم می شمارند و همگان یکدست در برابر بیگانگان متحدند.

نهی امیرالمومنین علی علیه السلام از تفرقه

امیرمومنان نیز به عنوان وظیفه چنین بیان کرد، هیچ انسانی از انسان دیگر جدا نشود و اگر هر دو یک دین دارند، در مدار همان دین متحد باشند و چنانچه دین مشترکی ندارند، در مدار اصول مشترک انسانی اتحاد کنند که اختلاف به سود هیچ کس نیست. ایشان به کسی که خیال می کند می تواند از جامعه جدا شود یا از قبيله فاصله بگیرد هشدار دادند که از خیر جامعه جدا می شود و شری هم به آن نمی رساند:

... و ایتاکم و الفرقه! فان الشاذّ من الناس للشيطان كما أن الشاذ من العنم للذئب الا من دعا الی هذا الشعار فاقتلوه ولو كان تحت عماتى هذه! فانما حکم الحکمان لیحییا ما احیا القرآن و یمتیا ما امات القرآن و احیاه الاجتماع علیه و اماتته الافتراق عنه ...^۳

همان گونه که گوسفند جدا از رمه طعمه گوسفند می شود، کسی که از جامعه فاصله گیرد، طعمه شیطنت شیطان می گردد.

جامعه یا اسلامی انسانی است یا فقط انسانی، پس اگر کسی مسلمانان است، بر محور اسلام با افراد دیگر متحد است و چنانچه مسلمان نیست، براساس و مدار اصول انسانی با افراد دیگر مشترک است.

دین اسلام محور وحدت مسلمانان جهان است و تبلور دین در صحنه اجتماع در سه گانه قرآن، سنت و عترت است. در ذیل به بررسی هر قسم از این سه گانه ها با عنوان محور اتحاد اسلامی می پردازیم:

قرآن کریم

آدمی در هر لحظه باید به سوی تعالی حرکت کند و این سیر صعودی نیازمند ابزاری است. همانند کوه نوردانی که برای صعود به قله و گذر از صخره های بلند نیازمند حامی و دستگیری می باشند تا در دره های ظلمت سقوط نکنند و چه ابزاری بهتر از طناب و چه بهتر ریسمان الهی:

واعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا^۴

در قرآن کریم و درست قبل از آیه فوق حضرت دوست چنین فرمودند:

ومن يعتصم بالله فقد هدی الی صراط مستقیم^۵

هر کس به خداوند اعتصام کند، قطعاً به صراط مستقیم هدایت شده است

^۱ آخی النبی بین اصحابه من المهاجرین و الانصار اخوین اخوین، مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۲ ص ۲۱۱ بحار الانوار، ج ۳۸ ص ۳۳۶

^۲ کتاب الخصال، ج ۱، ص ۱۴۹، بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۴۲

^۳ نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷، بند ۷-۹

^۴ سوره آل عمران، آیه ۱۰۳

^۵ سوره آل عمران، آیه ۱۰۱

حبل الله همان دین خداست که در بر دارنده عقاید، اخلاق و احکام است و اعتصام به حبل الله، اعتصام به الله است. دین، حقیقت واحدی است که بخشی از آن در قرآن ظهور کرده است، البته درجات اعتصام مراتب معرفت وابسته است و مراتب عرفان در فنای در اسمای الهی و اسم اعظم او ظهور می یابد، فی النهایه انسان کامل اسطراب تام هزار باب است که چون آن را بگشایی و در خارج پیاده کنی عالم شود.^۱

سنت رسول اکرم

حضرت علی علیه السلام درباره وجود پیامبر چنین فرمودند: دفن الله به الضغائن و اطفا به الشوائب، آلف به اخواناً، به برکت وجودش خداوند کینه ها را دفن کرد و آتش دشمنی ها را با او خاموش ساخت و به واسطه وجود او در میان دل ها الفت افکنند.^۲

خدای سبحان پیامبر را ابتدا به آداب خاص متادب ساخت، سپس او را اسوه دیگران قرار داد و تمام جوامع بشری را به اقتدای او امر کرد. آنگاه خدای سبحان به تخلق آن حضرت به خلق عظیم الهی گواه داد^۳ و سنت و سیرت و همه شئون زندگی آن حضرت را اسوه همه سالکان قرار گرفت. قرآن کریم به صراحت از پیامبر به عنوان محور وحدت و رفع اختلاف امت یاد کرده است.^۴

عترت

عترت طاهرین (علیهم السلام) بر اساس آیات قرآن و حدیث متواتر ثقلین^۵، همتای قرآن بوده، و تمسک به به یکی از آن دو، بدون دیگری، مساوی با ترک هر دو ثقل است و دستیابی به دین کامل، تمسک به هر دو ثقل است. قرآن و عترت، عصاره نبوت و تداوم بخش رسالت هستند که هدایت بشر را تا قیامت تضمین می کنند.^۶

اهل بیت به معنای خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می باشد. مراد از اهل بیت، حضرت امیرمؤمنان علیه السلام، حضرت فاطمه سلام الله علیها و یازده فرزند معصوم ایشان، از امام حسن مجتبی علیه السلام تا حجة بن الحسن العسکری علیهم السلام، است که خداوند وجود آنان را از گناه و لغزش، معصوم و از هرگونه پلیدی آشکار و نهان، پاک قرار داده است.^۷ قرآن بدون امام معصوم، نه تنها مایه اتحاد نیست، بلکه موجب اختلاف است، چون دل های ریض با عرضه افکار خود بر آن، مذهب سازی و فرقه سازی می کنند، چنان که قرآن کریم می فرماید: هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ

^۱ علامه حسن زاده آملی، هزار یک کلمه، ج ۷، کلمه ۹۴۸

^۲ نهج البلاغه، خطبه ۹۶ بند ۲

^۳ سوره قلم، آیه ۴

^۴ سوره نساء، آیه ۵۹

^۵ انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله وعترتی ما ان تمسکتکم بهما لن تضلوا بعدی: کتاب الله فیهدی والنور حبل ممدود من السماء الی الارض وعترتی اهل بیتی وان اللطیف الخبیر قد اخبرنی انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض وانظروا کیف تخلفونی فیهما، من در میان شما دو امانت نفیس و گرانبها می گذارم یکی کتاب خدا قرآن و دیگری عترتم اهل بیت را. تا وقتی که از این دو تمسک جویند، هرگز گمراه نخواهید شد و این دو یادگار من هیچ گاه از هم جدا نمی شوند. تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

^۶ تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۱۳۲.

^۷ سوره احزاب، آیه ۳۳

وَ أُخْرُ مُتَشَابِهَاتٍ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ^۱، پس امام همان قطبی است که آسیاب جامعه بی آن راکد است و جامعه راکد، گرفتار فرسودگی و سیر قهقراپی خواهد بود.

وحدت و همزیستی عادلانه در حوزه پیروان ادیان توحیدی

اسلام بر اساس جهان شمولی اش همه ملت ها را می پذیرد، خواه ملتی که اسلام را بپذیرد یا نه و خواه ملتی که موحد باشند یا نه.

تصدیق قرآن نسبت به ادیان دیگر

اسلام دینی جهانی است و یهودیت و مسیحیت را تصدیق وجودی و در قرآن درباره آنها بارها سخن به میان آمده است و کتب آسمانی سایر ادیان را تایید می کند:

نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابُ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَ أَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ^۲
وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَ مُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ^۳

قرآن همه مطالب تورات و غیر محرف و گفتار های موسای کلیم و همه مطالب انجیل تحریف نشده و سخنان عیسی مسیح را تصدیق می کند، وقتی ملیت ها و ادیان و مذاهب مصدق یکدیگر باشند، پیروان این ها نیز می توانند با هم روابط حسنه برقرار کنند.

دعوت اهل کتاب به وحدت

خداوند درباره دعوت اهل کتاب چنین می فرماید:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ^۴

بگو: ای اهل کتاب! بیایید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است، پیروی کنیم و آن کلمه این است که جز خدای یکتا هیچ کس را نپرستیم و چیزی را با او شریک قرار ندهیم و برخی دیگر را به جای خدا به ربوبیت تعظیم نکنیم، پس اگر آن ها از حق روی گردانند، بگوئید شما گواه باشید که ما تسلیم فرمان خداوند هستیم.

محورهای وحدت و همزیستی عادلانه در حوزه پیروان ادیان توحیدی

با توسل به قرآن کریم، سه محور برای همزیستی عادلانه برای موحدان عالم قابل فرض است که ذیل آیه ۶۴ سوره آل عمران بررسی می شود:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ

سه محور فوق عبارتند از:

الف) پرستش خدا و نفی شرک ذاتی

^۱ سوره آل عمران، آیه ۷

^۲ سوره آل عمران آیه ۳

^۳ سوره مائده آیه ۴۸

^۴ سوره آل عمران آیه ۶۴

اولین محور سازش در حوزه پیروان ادیان توحیدی، توحید در عبادت است: "الا نعبد الا الله" بر پایه آیات قرآن، همه پیامبران الهی، مامور به توحید عبادی بودند و همچنین انسان ها را دعوت به توحید عبادی می کردند: وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ^۱.

ب) نفی رژیم ارباب و رعیتی

منظور از نفی رژیم ارباب و رعیتی، نفی سلطه سیاسی و فرهنگی است، در آیه ۶۴ سوره آل عمران خداوند سبحان می فرماید: وَ لَا يَتَّخِذْ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ. رژیم ارباب و رعیتی، رژیم باطلی است خواه صورتش در زمانه ای ارباب و کشاورز باشد و خواه بره ای مالی و یا فرهنگی و سیاسی ... این رژیم بر این باور است که ارباب بایستی منافع مادی رعیت را به سود خود جذب کند و کوشش رعیت را برای خود می خواست و رعیت هم برای بقا مجبور بود که رفاه ارباب خود را فراهم کند.

ج) تأسیس رژیم ربانی

مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَ النَّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَاداً لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَ بِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ^۲

هیچ بشری را نسزد و ممکن نباشد که خداوند او را کتاب (آسمانی) و حکمت یا ولایت امر و پیامبری دهد، سپس او به مردم بگوید: به جای خدا بندگان من باشید! و لکن (می سزد که بگوید) مردمانی خداپرست و تربیت یافتگان و علماء دین باشید از آن رو که آموزگاران کتاب هستید و از آن رو که آن را به خوبی فرا گرفته و می خوانید.

مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَ رَبَّكُمْ وَ كُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيداً مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ^۳

من به آنها نگفتم جز آنچه را که به من فرمان دادی، که خدایی را که پروردگار من و پروردگار شماست بپرستید و مادامی که در میان آنها بودم بر آنها گواه بودم و چون مرا (به سوی خود) برگزیدی تو خود بر آنها مراقب بودی و تو بر همه چیز آگاه و دانایی^۴.

وحدت و همزیستی عادلانه در حوزه جوامع بشری (وحدت جهانی)

اسلام رابطه حسنه بین المللی را چنین توجیه می کند: مبدا فاعلی و آفریدگار و پروردگار همگان یکی است فطرت های بشری مشترک است، یعنی ساختار های اولی انسانیت در همه یکی است و نیز مقصد و هدف نهایی قافله بشر واحد است. بعد از روشن شدن وحدت امور یاد شده، قهراً روابط حاکم بر بشر هم باید مشترک و یکسان باشد و آن هم دین الهی است. اسلام برای اجرای حقوق مشترک در مرحله و گام نخست میان مومنان روابط حسنه را برقرار و کیفیت زندگی مسالمت آمیز افراد با ایمان را تشریح کرد و سپس در گام بعدی رابطه مسلمانان با سایر موحدان و پیروان انبیا مانند یهود و نصری را تبیین کرد که حوزه های خدا، وحی، نبوت، رسالت را مشترک دانست و اما حال در قدم سوم، در پی بیان رابطه مسلمانان با غیر اهل توحید با توسل به همزیستی مسالمت آمیز در پرتو

^۱ سوره انبیاء آیه ۲۵

^۲ سوره آل عمران آیه ۷۹

^۳ سوره مائده آیه ۱۱۷

^۴ حضرت مسیح پیامبر فرمودند

وحدت جهانی می باشیم. اسلام با کفر و شرک هیچ پیوندی ندارد و کفر را باطل می داند ولیکن کافر را جویای حقیقت می خواند هرچند گمراه شده است و نتوانسته به سرمنزل مقصود دوست رسد و در تطبیق دچار اشتباه شده است و به بیراهه افتاده است، ولی چون تشنه حقیقت است می توان با وی تفاهم کرد نه بدین معنا که اسلام و کفر با هم کنار آیند، هرگز! بلکه منظور پذیرش کافر در راستای هدایت وی است.

لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُنْفِسُوا إِلَيْهِمْ
إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ^۱

خدا شما را از کسانی (از کفار) که با شما درباره دین جنگیده و شما را از خانه هایتان بیرون نکرده اند منع نمی کند که به آنها نیکی کنید و با قسط و عدل رفتار نمایید، زیرا خدا عدالت پیشگان را دوست دارد.

پرووضوح است که منظور از سازش در زمان صلح است پس زمانی که کفر بر شما حمله ور شدند، بایستی تمام قد در مقابلشان مبارزه کنید. اما در زمان صلح کافران در حمایت تام امنیت اسلامی هستند، گواه مدعا آیه ۶ سوره مبارک توبه است که وَ إِن أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ.

وجوب و بایستگی رعایت پیمان

رعایت گونه های مختلف میثاق های دو طرفه و چند طرفه در اسلام واجب است و همگی زیر مجموعه اصل عدالت و نفی ظلم است.

خدای سبحان در آغاز سوره مبارک مائده می فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرِ مُجَلِّي الصَّيْدِ وَ أَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَخْتُمُ مَا يُرِيدُ.

عقد به معنی بستن و گره زدن است و وفا به عقد به معنای مقتضیات عقد، التزام به لوازم و زیر پا نگذاشتن آن است. وفا به عهد بر مومن و کافر واجب است، قرآن مجید بسیار بر وفا به عقد و عهد تیکه می کند، نسبت عقد و عهد، عموم و خصوص مطلق است: هر عقدی عهد است ولی هر عهدی عقد نیست بلکه عقد، عهدی مشدّد و موکّد است. هرگاه انسان عقدی می بندد، خواه با شخص، یا دولتی و چه با کافر و یا مسلمان، عمل به این عقد واجب و نقض آن حرام است.

در حدود رعایت پیمان سه مدل را بیان خواهیم کرد:

(الف) پیمان پناهندگی سیاسی / (ب) پیمان مالی / (ج) پیمان نظامی

الف) رعایت میثاق با کافران واجب است و اگر کسی مسلمانی ستم کرده ولی پناهنده سیاسی شده به کشوری که با مسلمانان میثاق پذیرش پناهنده سیاسی دارد، مسلمانان حق تعرض به آن پناهنده سیاسی را ندارند:

إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاؤُكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يُقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتِلُوكُمْ فَإِنِ اغْتَرَزْتُمُوهُمْ فَلَمَّ يُقَاتِلُوكُمْ وَ أَلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلْمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا^۲

مگر آنان که به گروهی که میان شما و آنها پیمانی برقرار است پیوندند یا به نزد شما بیایند در حالی که سینه هایشان از جنگیدن با شما یا با طائفه خود به تنگ آمده باشد. و اگر خدا می خواست مسلماً آنها را بر شما مسلط می نمود و حتماً با شما می جنگیدند.

^۱ سوره ممتحنه آیه ۸

^۲ سوره نساء، آیه ۹۰

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آوُوا وَ نَصَرُوا أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا وَ إِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ^۱

همانا کسانی که ایمان آوردند و (به مدینه) هجرت نمودند و در راه خدا با اموال و جان های خود جهاد کردند، و کسانی (از اهل مدینه) که (مهاجران را) جا و پناه دادند و یاری نمودند، آنها هستند که اولیاء یکدیگرند (پیوند دوستی، یاری و ارثی دارند) و کسانی که ایمان آوردند و هجرت نکردند شما هیچ گونه پیوندی با آنان ندارید تا مهاجرت نمایند، و اگر درباره امور دینی از شما یاری طلبند بر شما است که یاری نمایید مگر آنکه به ضرر گروهی باشد که میان شما و آنان پیمان (ترک مخاصمه) برقرار است، و خداوند به آنچه می کنید بیناست.

ب) اگر کسی مومن و مسلمانی را عمدا کشت، گذشته از قصاص چنانچه توبه نکرده باشد، کیفر تلخ او جهنم است و این مسئله کلامی است و چنانچه اشتباه مومنی را کشت، باید دیه بپردازد و اگر بازماندگان این مقتول مسلمان هستند، دیه را به آن ها می دهند و چنانچه بازماندگان مقتول مسلمان نیستند و از کافران و دشمنان مسلمانان هستند، دیه مسلمان به آنها نمی رسد، ولی چنانچه میثاقی بسته باشند که هیچ کدام از دو گروه خونشان هدر نرود و از هر دو گروه کسی کشته شد و به اشتباه بود، باید به آن میثاق احترام گذاشت و به بازماندگان آن چیزی را پرداخت کرد که تعهد شده است، یعنی اگر پیمانی با نامسلمان بسته شد، باید مسائل مالی و حقوق آن پیمان را رعایت کرد.

ج) اگر در متن جنگ مسلمانان با کافران پیمان بسته شده است باید رعایت شود مثلا اول پیاده نظام بجنگد و بعد ... این تعهد باید اجرا شود، بدین معنا نمی باشد که مسلمین با کفر پیوند قلبی دارند و یا محل تحمیل کفر هستند و از سوی دیگر مسلمین هم مجاز به پیمان شکنی نیستند. این امر مسلمین نوعی تعهد به نفس خویش است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. اصول کافی، محمد کلینی، ترجمه: حسن زاده، نشر قائم آل محمد، ۱۳۹۰
۳. ترجمه: جعفر شهیدی، نهج البلاغه، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸
۴. جعفری، محمد تقی، انسان و آفرینش، موسسه نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۹۰
۵. جوادی آملی، تسنیم، اسراء، ۱۳۸۸
۶. جوادی آملی، جامعه در قرآن، اسراء، ۱۳۹۱
۷. جوادی آملی، روابط بین الملل در اسلام، اسراء، ۱۳۸۸
۸. حسن زاده آملی، هزار و یک کلمه، بوستان کتاب، ۱۳۹۱
۹. رحیم پور ازغدی، حسن، پنج گفتار، طرحی برای فردا، ۱۳۸۸
۱۰. رحیم پور ازغدی، حسن، چهار گفتار، طرحی برای فردا، ۱۳۸۸

^۱ سوره انفال، آیه ۷۲

۱۱. شیخ صدوق، الخصال، جامعه مدرسین ۱۳۶۹
 ۱۲. صدر، موسی، ادیان در خدمت انسان، موسسه نشر آثار امام موسی صدر، ۱۳۹۲
 ۱۳. علامه مجلسی، بحارالانوار
 ۱۴. محمدشریف، ترجمه: پورجوادی، تاریخ فلسفه در اسلامی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲
15. Ember, Carol R., Ember, Melvin; Encyclopedia Of Medical Anthropology, 1st Ed, New York, Kluwer Academic/Plenum Publishers, 2004

Fair Alliance in Peaceful Coexistence from the Perspective of the Islamic Human Rights

Ali Akbar Shams¹, Rasoul Shams²

1 . M.A student, International law, University of Tehran.

2 . M.A student, International relations, Islamic Azad University, Tehran South Branch

Abstract

The eternal religion of Islam is a comprehensive and complete religion, dealing with different aspects of human existence and leaving no aspect of it unnoticed. Human is the core or center of this world, and the addressee of all of the scientific and practical Dos and Don'ts. Both in human's relationship with himself and with other creatures and his Creator and Lord, it is human who is the addressee of the verse "Were it not for you, I would not have created the universe¹".

Like economic interactions, social interactions are completely tied with human life and are by no means apart from and independent of the human fate and nature, and these interactions are possible in the shadow of the fair alliance of human beings and at three levels of the Islamic Ummah (Nation), the followers of monotheistic religions and the unity of the whole world (human societies). We seek in this paper to explain the current status of peaceful co-existence and to specify the features of the ideal society from the perspective of Islam and Islamic thinkers.

Keywords: fair alliance, peaceful coexistence, the Islamic Ummah (Nation), monotheistic religions, unity of the world

¹ . Bahar-al Anvar, Vol. 16, p. 405